

سرسخن

اینک با گذشت حدود ده ماه از انتشار نشریه جوان سوسیالیست در حالی وارد فصل نوینی از فعالیت سیاسی خود می شویم که جنبش کارگری ایران در تحولی عظیم خود را برای مقابله با نظام سرمایه داری سازماندهی می کند. کارگران پیشرو و روشنفکران امین کارگران در کنار هم در تدوین برنامه ی انقلابی، مطالبات بر حق نیروی کار را با جدیت پیگیری می کنند و موج نویی را در مبارزه با استثمار سرمایه می آفرینند.

اول ماه مه امسال مصداق بارزی بر این پویایی است. در چندین شهر مختلف روز کارگر با وجود تمام موانع پیش روی کارگران چه ارباب از طرف رژیم جنایتکار آخوندی و چه کارشکنی های گروههایی که همواره سعی داشته اند قیم مایانه جنبش کارگری را به حاشیه برانند، برگزار شد. کارگران پیشرو در طی این گردهماییها راهکارهای مناسب برای مبارزه را به بحث و نقد گذاشتند و در آخر کلیت برنامه ی انقلابی و مطالبات خود را به صورت قطعنامه منتشر کردند.

بقیه در صفحه ۲

تویک کارگری

تمام سال هر روز ساعتها برای نان بخور نمیری جان می کنی و باز هم فکر می کنی شانس آورده ای که جای آن همه بیکاری نیستی که هر صبح منتظر صفحه ی نیازمندیها پشت دکه ی روزنامه فروشی صف می کشند و جیبهایشان از سکه های ده تومانی باد کرده است.

بقیه در صفحه ۴

بحران اشتغال

دومین دوره ی آزمون استخدامی ادواری روز جمعه ۱۱ اردیبهشت با شرکت هزاران نفر از فارغ تحصیلان دانشگاههای ایران برگزار می شود.

نتیجه ی چنین آزمون که در راستای سیاستهای فریبکارانه نظام در ادعای قانون مداری و شایسته سالاری صورت می گیرد هیچ تاثیری در استخدام شرکت کنندگان ندارد. در سیستم فاسد اداری ایران ضابطه بی ارزش است و تنها آتانی که از رابطه بهره دارند می توانند وارد مشاغل دولتی شوند. نکته ی مضحک آزمون ادواری این است که سوالاتی که طرح می شود ملغمه ای از تستهای هوش، اطلاعات عمومی و مبانی اعتقادی است که هیچ ارتباط منطقی با رشته ی تحصیلی داوطلبان ندارد. گویی مزیت برگزاری چنین آزمونی جدا از مبلغ هنگفتی که سرازیر جیب دولت می کند تنها استفاده های تبلیغاتی به نفع رژیم است که با بالا گرفتن بحران کار در کشور و طبعاً افزایش نارضایتی توده ها به دنبال حفظ حیات خویش است.

بقیه در صفحه ۴

براندازی رژیم با هیچ استراتژی کم رنگ نمی شود

صفحه ۳



جوان

سوسیالیست

نشریه اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی ایران

سردبیر: رزا جوان

roza_javaan@fastmail.fm

شماره ۱۴ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۳

گزارش اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی

از برگزاری مراسم اول ماه مه در تهران، جاده مخصوص کرج

شنبه ۱۲ اردیبهشت جمعی از پیشروان کارگری، اول ماه مه، روز جهانی کارگر را با برپایی مراسمی جشن گرفتند. در این گردهمایی که جمعیتی از کارگران واحدهای صنعتی و نیز فعالین کارگری حضور داشتند ابتدا حضار با خواندن سرود انترناسیونال تعلق و همبستگی خود را با طبقه ی کارگر جهان اعلام کردند.

پس از اجرای سرود، یکی از دوستان تاریخچه ی اول ماه مه و سابقه ی مبارزات سازمان یافته ی کارگران در برابر سرمایه داری جهانی، سرکوبها و دستاوردهای گرانبهای مقاومت را قرائت کرد.

بقیه در صفحه ۲

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با جنبش طبقه کارگر!

زنده باد سوسیالیزم!

اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی ایران

<http://www.javaan.net>

از برگزاری مراسم...

بقیه از صفحه ۱

آقای علی اشرف درویشیان عضو کانون نویسندگان نیز در رابطه با ادبیات کارگری و سابقه و خواستگاه های جغرافیایی آن با بیان دیدگاههای خود، خلایق نویسنده را در شرح رنج این طبقه مهمترین عامل پربها کردن ادبیات کارگری دانستند و در آخر داستان کوتاهی از خود را در حوزه ی ادبیات کارگری خواندند. نکته ی جالب مراسم حضور فعال کارگران جوان و فرزندان پیشروان کارگری بود که با شور و اشتیاق از این فرصت گرانبها برای کسب تجربه از مبارزان پرسابقه و اطلاع از راهکارهایی که برای رهایی طبقه کارگر از زیر ستم سرمایه ارانه می شود استفاده می کردند و بر فضای دوستانه ی مراسم و جشن می افزودند.

پس از اجرای شعر، یکی از کارگران پیشرو در طی مقاله ای تحت عنوان «کمیتة های کارگری راهکار نوین مبارزات طبقاتی» خواستار توجه کارگران پیشرو به کمیتة های کارگری در هر کارخانه به ویژه در صنایع بزرگی چون نفت، نساجی و خودروسازیها که مرکز ثقل مبارزات ضد سرمایه داری در ایران می باشند، شد. کمیتة هایی کاملا مستقل با حضور کارگران آگاه که با دخالت در امور کارگری چون سازماندهی اعتصاب، آرایش اعتراضات، مقابله با یورش سرمایه در بیکارسازیهای ادواری و کنترل کارگری بر کارخانه، مطالبات سیاسی و غیر سیاسی طبقه کارگر را دنبال می کنند. وی با یادآوری نقش این کمیتة ها در سازمان دهی اعتصابات کارگران صنعت نفت پیش از انقلاب، دخالت در سیاست و اخلاص در نظم نظام سرمایه داری را از ویژگی مهم و غیر قابل انکار این کمیتة ها ذکر کرد.

سپس نماینده ای از آقای محمد علی افراشته طنز پرداز گیلانی با موضوع اعتصاب به اجرا درآمد و بعد از پذیرایی با توجه به محدودیت زمانی دو مقاله خوانده شد که در یکی نویسنده در بیان نظرات خود با تاکید بر لزوم دستیابی به مطالبات اولیه ی کارگران، اتحادیه های کارگری را لازمه ی اتحاد کارگران و

سامان دادن به قدرت اجتماعی عظیم آنها در برابر تمرکز همه جانبه ی سرمایه دانست و در مقاله ی دیگر در تجزیه و تحلیل راهکار تشکلات مستقل کارگری برای مبارزه با سرمایه داری، سخنران تشکلاتی مستقل از سرمایه داری که در آن کارگران بتوانند به طور دمکراتیک رهبران خود را انتخاب کرده و با آرا و نظرات متفاوت به یکسان در آن دخالت کنند را برجسته ترین خواسته ی کارگران جهان با توجه به نارضایتی از عملکرد ضعیف اتحادیه های کارگری در مقابله با سیاستهای جنگ طلبانه امپریالیسم در جریان جنگها ی اخیر خاورمیانه دانست و با یادآوری تجربه ی سندیکاها ی کارگری در کشورهای آمریکای جنوبی متذکر شد که تاکنون هیچ اتحادیه ای به کنترل کارگری- تمرینی برای دولت کارگری- تن نداده است. به این ترتیب تنها با یک تشکل مستقل کارگری و نه از طریق احزاب قیم ماب که در بین طبقه ی کارگر پایگاهی ندارند و یا فرمیهایی که جهت گیری نهایی شان به سود سرمایه داری است، کارگران قادرند مطالبات خود را پیگیری کنند.

ایشان تشکلی حزب طبقه کارگو تشکلات مستقل را نه در طول هم و یکی را پیش زمینه ی دیگری بلکه همزمان و موازی و هردو را درحالتی نماینده ی کل طبقه ی کارگر دانستند که ساختاری پیش ساخته و هرمی نداشته و با مشارکت خود کارگران بنا نهاده شود.

در آخر قطع نامه ای از طرف شورای برگزارکنندگان مراسم قرائت گشت که در چندین بند خواسته ها و مطالبات کارگران از جمله محکوم کردن کشتار کارگران مس خاتون آباد، اعتراض به بیکارسازیها، کاهش ساعات کار و لغو اضافه کاری، رسیدگی به وضعیت بازنشستگان، حقوق زنان کارگر و ... را اعلام می کرد.

لازم به یادآوری است که در پایان مراسم عده ای فرصت طلب از حزب کمونیست کارگری با به آشوب کشیدن سالن قصد برهم زدن مراسم را داشتند که با اعتراض برگزارکنندگان و حضار روبرو شدند.

۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۳

سر سخن

بقیه از صفحه ۱

و نیز حرکتهایی که در اعتراض به دستگیری سخنرانان و برگزارکنندگان مراسم یک مه در سقز انجام شد و حمایت بین المللی فعالین کارگری در سایر کشورها نمایان گر آمادگی جنبش برای تشکیل نطفه های حزب پیشتاز انقلابی است.

برای اتحادیه سوسیالیستهای جوان شرکت در بزرگداشت روز کارگر کسب تجربه ای ارزشمند بود از ارتباط نزدیک با پیشروان کارگری و به دنبال آن آغاز فعالیتها ی عملی در کنار رهبران واقعی جنبش کارگری. اتحادیه که با هدف ایجاد یک قطب سوسیالیستی در میان جوانان کارگر و دانشجو و مقابله با اندیشه های انحرافی سرمایه داری همچون لیبرالیسم و ناسیونالیسم تشکیل شده بود، اینک با گذار از مبارزه ی ژورنالیستی محض و وظیفه ی اصلی خود که دخالت در جنبش کارگری و سازماندهی کارگران جوان حول محور مارکسیسم است را از طریق آموزش نیروهای جوان و مبارزه ی عملی با طیف گسترده ی نظام سرمایه دنبال می کند.

ما معتقدیم که در شرایط حاضر یکی از بزرگترین وظیفه ی فعالین کارگری تربیت نیروهای جوان برای به دست گیری رهبری آینده ی جنبش است. کارگران پیشرو جوان باید در کارخانه ها علاوه بر استفاده از تجربه ی پر ارزش همکاران قدیمی تر از آموزه های روشنفکران انقلابی بهره مند شوند و به این ترتیب مجهز به سلاح تئوریک در برابر هجوم ایدئولوژیکی سرمایه مقاومت کنند. تئوری انقلابی طبقه ی کارگر مارکسیسم است، اندیشه ای که در مبارزه ی کارگران هدف نهایی را انقلاب کارگری و جایگزینی نظام سرمایه داری با دیکتاتوری پرولتاریا می داند. تنها در این صورت است که تضادها ریشه کن می شوند و انسانیت در وسیعترین ابعاد قابل تصور خود شکوفا می شود. حال هر برنامه ای که فاقد عنصر براندازی باشد چه با انگیزه ی ضربه زدن به جنبش و یا ناگاهانه در راستای تداوم نظام سرمایه عمل می کند و از روح مبارزه طبقاتی تهی است. نشریه ای که پیش رو دارید بر پایه ی چنین باوری از مبارزه منتشر می شود

می‌کاهد. در حالی که این حقیقت را فراموش کرده اند که اولین مطالباتی که مردم را می‌شوراند طبیعتاً نیازهای ضروریشان است. انگلس در مراسم به خاکسپاری مارکس، چنین می‌گوید:

"درست همان گونه که داروین قانون تکامل با ماهیت موجود زنده را کشف کرد، مارکس نیز قانون تکامل انسانی را کشف نمود، قانون یا حقیقتی ساده که تا آن زمان جهان بینی‌های گوناگون و رو به افزایش از چشم مردم پنهانش می‌داشتند. باری این حقیقت که انسان پیش از آن که به سیاست، علم، هنر، دین و... بپردازد، باید بخورد، بپوشد و از سرپناه و پوششی برخوردار باشد."

مارکس نابغه ایست که با بیان حقیقت ارجحیت نیازهای اولیه انسان بر خواسته‌های ثانویه اش چون هنر، علم و سیاست به ما می‌آموزد که اگر هنرمندی را در بند کنید و آب و نان و ابزار هنر آفرینی را از وی دریغ کنید، پس از مدتی که از شرایط به تنگ آید تقاضای ابزار نمی‌کند، برای زنده ماندن تقلا می‌کند.

واقعیت همان داستان هنرمندی است که گرسنگی آفرینش هنر را از خاطرش می‌برد. زمانی که انسان خوب بخورد، بیاشامد و از سرپناهی برخوردار باشد و به دنبالش نیاز جنسی اش را ارضا کند. خواسته هایش فراتر می‌رود، پرداختن به علم، هنر و رشد استعداد هایش مطرح می‌شود.

اگرچه این مردم در حکومت جمهوری اسلامی بسیاری از آزادیهای اجتماعی خود را از دست داده اند، اما قرنهاست گرسنه و بی نصیب از منابعی هستند که مرزهای جغرافیایی با کشیدن یک خط بسته به دورشان ثروت ملی اش می‌خوانند و بنابراین همواره فکربراندازی نظام سرمایه و تقسیم عادلانه ی ثروت پویا مانده است. برخلاف تصور بسیاری اقبال توده ها به باز شدن فضای جامعه به این معنا نیست که هدف پیش روی آنها جز این چیز دیگری نیست بلکه با رفع دغدغه ی نبود آزادیهای اجتماعی، قطعاً خواسته ها فراتر خواهد رفت. چراکه هنوز در ذهن آن میلیونها گرسنه ای که هر روز نسبت به خط فقر سقوط بیشتری می‌کنند نان و مسکن بالاتر از آزادی نشسته است.

رزا جوان

۴ اردیبهشت ۱۳۸۳

اجتماعی آشکار ساخت. اسلام گرایان افراطی با وضع قوانین و احکام غیر انسانی به منظور محکم کردن پایه های حکومت خود، چهارچوبهای تنگی بر اجتماع تحمیل کردند. آن چنان که با دستاویز قراردادن این قوانین به راحتی بتوان زندگی خصوصی شهروندان را نیز مورد تعرض قرار داد و دست جاسوسان جمهوری اسلامی را در شناسایی و کشتار مخالفان باز گذاشت.

به این ترتیب با شعار "یا روسری، یا توسری" اولین گام را برای محروم کردن زنان از حقوق اجتماعی شان برداشتند و به دنبال آن با اجباری کردن یقه های بسته، محاسن بلند، لباسهای تیره برای مردان و تیغه کشیدن در اجتماعات مشترک میان دو جنس مخالف و... سنتهای پوسیده ی به یادگار مانده از دوران بربریت را احیا کردند. بازوهای دولت اسلامی همچون سپاه، اطلاعات و حراست نیز با ایجاد فضای رعب و وحشت از طریق اجرای احکام شلاق، سنگسار در ملاعام و به زندان انداختن و پرونده سازی برای کسانی که از قوانین سرپیچی می‌کردند، مردم را وادار به پذیرفتن این تحقیر ساختند.

مضاف بر این هشت سال جنگ و کشتار طبقات فرودست دو ملت که دستاوردی جز به فروش رفتن تسلیحات ساخت کارخانه های امپریالیسم نداشت در محکم شدن پایه های قدرت حکومت اسلامی تاثیر بسزایی داشت. دهه ی هفتاد اوج فشار بر جوانان و سلب آزادیهای اجتماعی از آنان بود. آن چنان که با جناح بندی در نظام در انتخابات خرداد ۷۶، رفرمیستها با آن که برنامه ی اقتصادی برای رفع مشکلات معیشتی مردم ارائه نکردند توانستند با وعده به باز کردن چهارچوبها آنها را بفریبند و بیست میلیون رای از آن خود کنند. اما اصلاح طلبان محبوبیت باد آورده را خیلی زود از کف دادند و در نتیجه آن قدرت را نیز، اما امروز جناح راست با کسب تجربه از عواملی که موجب حضور مردم در صحنه شد، تصمیم به تعدیل فشارهای اجتماعی گرفته است.

بسیاری هم چون تنوریسین های راست بر این باورند که دست یابی به آزادیهای اجتماعی پس از بیست و پنج سال خفقان، ذهن توده ها را از براندازی حکومت اسلامی منحرف می‌سازد و از نفرت توده ها نسبت به حکومت ملایان

و مخاطبین اصلی خود را در میان جوانانی جستجو می‌کند که متمایل به سوسیالیسم رادیکال می‌باشند. اتحادیه مشتاقانه از همکاری رفقای جوانی که در دیدگاههای خود با ما مشترکند، استقبال می‌کند و امید دارد در آینده ی نزدیک کادری از بهترین مبارزان انقلابی را سازماندهی کند.

رزا جوان - ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۳

براندازی رژیم....

چندی پیش در یکی از جلسات پرسش و پاسخ دانشجویی که به دعوت انجمن اسلامی برگزار شده بود، دبیر کل انجمن در بخش تریبون آزاد، دانشجویان حاضر در سالن را فاقد انگیزه ی سیاسی خواند. وی با لحن تاسف باری اظهار داشت که یگانه محرک دانشجویان برای شرکت در جنبش دانشجویی، کسب آزادی در روابط با جنس مخالف است. جالب ترین که پس از صحبتهای دبیر انجمن، عده ای از حضار در اعتراض به توهینی که به منزلت دانشجو شده بود، قصد ترک سالن را داشتند!

اگرچه در گذشته این چنین تفسیرهایی چندان مهم به نظر نمی‌رسید و حتی بسیاری با نادیده گرفتن اشتیاق توده ها و به خصوص جوانان در کسب آزادیهای اجتماعی، سعی داشتند نارضایتی از رژیم را تنها در محرومیت از آزادیهای سیاسی چون نبود رسانه های مستقل، حصر زندانیان سیاسی، احزاب و... پررنگ سازند اما امروز می‌بینیم که در میان مخالفین رژیم زمزمه های نگرانی از افول کامل جنبش دانشجویی، بخش کوچکی از جنبش جوانان، با به قدرت رسیدن نسل جدید راست گرایان که استراتژی "حداکثر آزادیهای اجتماعی، حداقل آزادیهای سیاسی" را برای حفظ نظام آخوندی مد نظر دارند، شدت یافته است.

ربع قرن پیش، امپریالیسم با استفاده از مهره های خود، آخوندهای حوزه به رهبری خمینی و نیروهای ملی مذهبی به سرکردگی بازرگانان و نیز غفلت نیروهای انقلابی موفق شد انقلاب توده ای مردم ایران را به سرعت ببرد و از خطر قدرت گرفتن اندیشه های کمونیستی در خاورمیانه بکاهد. رژیم جنایتکار اسلامی خیلی زود ماهیت ضد مردمی اش را به ویژه در عرصه ی

تو یک کارگری

بقیه از صفحه ۱

در ازای دوخت یک دست لباس تنها پانصد تومان عایدت می شود بی آنکه بیمه شوی یا تضمینی برای از دست ندادن کارت داشته باشی. با وجود مهارتی که این سالها در چرخکاری بدست آورده ای کابوس اخراج لحظه ای رهایت نمی کند، چراکه کارگری و تن به قراردادی ناعادلانه ای داده ای که تماماً به سود کارفرما تنظیم شده است. بر طبق این قرارداد بر نیروی کار خود اراده ای نداری و برای فرار از گرسنگی مجبور می شوی به هر شرایطی تن دهی. اگر در محل کار دچار حادثه شوی هیچ مرجعی وجود ندارد که وضعیت تو را پیگیری کند و در صورت نقص عضوپردایی مبهم و تیره پیش رو خواهی داشت. آن بار که انگشت اشاره ات زیر سوزن چرخ ماند، دو روز تمام در بستر افتادی و توی تب سوختی. نه تنها به تو غرامتی پرداخت نشد، کارت را هم از دست دادی. بلافاصله کس دیگری را جای تو به کارگماشته بودند. همه ی این مصیبتها درمقایسه با تحقیری که به خاطر جنسیتت بر تو روا می دارند بی اهمیت است. بارها در مواجهه با پیشنهادهای شرم آور صاحب کاران مجبور شده ای کارت را عوض کنی. چراکه نمی خواستی تنت را همچون مهارتت ارزان بفروشی. اما می دانی که اگر در شرایط زنان کارگری بودی که بی سرپرست هستند و تمام بار زندگی را به تنهایی بر دوش می کشند شاید تن به چنین درخواستهایی می دادی.

اما در برابر تمام سالی که از آن کارفرماست، یک روز هست که به نام تو در تقویمها نوشته شده است. روزی که تمام رفقاییت همه آنهایی که مثل تو کارگرنند و به نان شبشان محتاجند با تو در آن شریکند. حتی همین همکارانت که در کنارت در یک سالن پشت چرخهایشان نشسته اند و کارفرما برای سود بیشتر میانتان خصومت انداخته است که هرکه بهتر بدوزد دستهای بیشتری برای دوختن نصیبش می شود. تو حق خودت می دانی برای این که روزت را بزرگ بداری از مرخصی برخوردار شوی، اما کارفرما به هیچ

وجه حاضر نیست حتی از یک ساعت بگذرد. سعی می کنی همکارانت را متقاعد کنی که بی تفاوت به تهدیدهای کارفرما دست از کار بکشند و وی را وادار به پذیرش خواسته ی بر حق خود کنی.

با حرارت به آنها می گویی که تصور کنند اگر تمام کارگران دنیا روزشان را تنها در خیابانها راه بروند و حتی شعار هم ندهند چه اتفاقی می افتد؟ مسلم است که پشت تمام کارفرمایان دنیا را می لرزانند. اما ناگاه یکی آهسته می گوید: آن وقت این همه بیکاری که پشت در صف کشیده اند هجوم می آورند و آب هم از آب تکان نمی خورد.

در جوابش می مانی به اینجای قضیه فکر نکرده بودی. زیر لب می نالی: کاش ما هم ارتش کثیرخود را در برابر سرمایه داران سازمان داده بودیم.

رزا جوان
۱۳۸۳/۲/۹

بحران اشتغال

بقیه از صفحه ۱

در وضعیت حاضر دیگر حتی داشتن تخصص و تحصیلات عالی هم در تغییر شرایط اسف باری که اکثریت را به زیر خط فقر سوق می دهد تاثیری ندارد. علاوه بر نیروی کار تازه نفسی که هر سال وارد بازار می شوند، به طور مداوم ارتشی از بیکارشدگان به جمعیت متقاضی کار افزوده می شود چرا که اصلاح قانون کار بر خلاف ادعای سرمایه داران نه تنها به فراهم آوردن فرصتهای شغلی کمی نکرده است بلکه خود بر بحران افزوده است.

خصوصی سازی و رواج سیستم قراردادی استخدام، دست کارفرما را در بهره کشی از کارگر آزادتر گذاشته، اخراج و بیکارسازی را کاملاً قانونی می کند. سرمایه داری بی آن که حیات طبقات فرودست برایش اهمیتی داشته باشد بر بحرانها می افزاید و تا زمانی که از ناحیه ی توده ها احساس خطر نکند از رشد فزاینده ی بیکاران در جهت کسب سود بیشتر استفاده می کند. این نظام با اطمینان از وجود زنان و مردانی که برای نجات از گرسنگی در برابر ناچیزترین دستمزدها حاضر به کار در بدترین شرایط هستند، از تامین

حقوق اولیه ی نیروی کار چون خدمات اجتماعی و امنیت شغلی سرباز می زند. در دایره ی بسته ای که نظام سرمایه به دور آن می چرخد افزایش قیمتتها از قدرت خرید جامعه می کاهد و اضافه تولید را سبب می شود و رقابت برای فروش کالای مازاد خود بر بیکارسازی دامن می زند به این ترتیب زنجیروار بحرانها از پی هم بر سر طبقات فرودست نازل می شود.

اما برای مبارزه با دنیایی که در آن تقسیم ناعادلانه ی ثروت ریشه ی اصلی فقر توده ها و محرومیت آنان از حداقل زندگی است چه باید کرد؟ مسلم است که حل مسئله ای که جهان ما را چنین آشفته ساخته نیازمند راهکاری اساسی است. همان طوری که با هرس علفهایی که در میان باغچه ای از گل ریشه داده اند نمی توان طراوت گلها را بازگرداند، با توسل به آنچه خود عامل بحران است و زانده های وابسته به آن نمی توان بر بحران فائق آمد. تا آن هنگام که نظام سرمایه داری بر اجتماعات بشری حاکم است میلیونها انسان در سراسر دنیا با گرسنگی دست به گریبانند.

رژیم جنایتکار آخوندی سالهاست با وعده های پوچ خود سعی کرده است از ناراضیاتی کارگران و زحمتکشان بکاهد و زمانی هم که از فریب آنان نتیجه نگرفته است با وحشیانه ترین شیوه ها به سرکوب مخالفین دست زده است. پراکندگی نیروهای انقلابی و نبود یک تشکل مستقل کارگری که در آن با انسجام دادن به کارگران در اتحاد با سایر طبقات تحت ستم بتوان برای مقاومت در برابر فشار فزاینده ی سرمایه صاف آرایی کرد، یکی از بزرگترین علل مصیبتهایی است که نیروی کار با آن روبرو است.

امروز سوسیالیستهای انقلابی، کارگر-روشنفکر و پیشروی کارگری تنها با تاسیس حزب پیشتاز انقلابی است که می توانند با اتحاد عمل برای دست یابی به خواستههای حداقل طبقه ی کارگر به بهبود وضعیت آنان کمک کنند و هدف عالی و انکارناپذیر سرنگونی نظام سرمایه داری و دیکتاتوری پرولتاریا را به سرانجام برسانند. وظیفه ای که در آستانه اول ماه مه، روز جهانی کارگر، پیش از هر زمان ضرورتش آشکار است.

رزا جوان
۱۳۸۳ / ۲/۹